

کتاب عاموس

مقدمه

عاموس نویسندهٔ این کتاب، در شمال اسرائیل وظیفهٔ چوپانی داشت. اما خداوند او را در اواسط قرن هشتم قبل از میلاد به رسالت دعوت کرد. اکثر موعظه‌های عاموس نبی متوجه مردم سلطنت شمالی اسرائیل که پایتخت آن سامره بود، می‌باشد.

در زمان عاموس مردم در آسایش فراوان زندگی می‌کردند. ثروتمندان تازه به دوران رسیده در حالیکه در جشن‌های مذهبی شرکت می‌نمودند و قربانی‌ها تقدیم می‌کردند، بر دیگران ظلم می‌کردند. عاموس آنها را به اشتباه‌شان متوجه ساخت و به آنها گفت که با این رویه و کردار به ظاهر مذهبی خود، خدا را خشمگین می‌سازند. عاموس نبی آنها را تشویق نموده گفت: «بگذارید عدالت مانند آب و انصاف مثل نهری جاری شود.»

یکی از آیات مهم این کتاب آیت ۱۵ فصل پنجم است که می‌فرماید: «از بدی بپرهیزید و خوبی را دوست بدارید و در محاکم عدالت را برقرار سازید تا شاید خداوند قادر مطلق بر بازماندگان قوم رحم کند.»

فهرست مندرجات:

مجازات همسایگان اسرائیل: فصل ۱: ۱ - ۲: ۵

مجازات اسرائیل: فصل ۲: ۶ - ۶: ۱۴

پنج رؤیا: فصل ۷ - ۹

اینها سخنان عاموس است که در شهر تقوع زندگی می‌کرد و پیشهٔ چوپانی داشت. او دو سال پیش از زلزله، و قتیکه غُزیا، پادشاه یهودا و یَبُعام (پسر یهواش) پادشاه اسرائیل بود، در بارهٔ آنچه که از خداوند بر او نازل شده بود، چنین می‌گوید: «خداوند از کوه سهیون در اورشلیم همچون رعد می‌غرد. چراگاههای چوپانها خشک می‌شوند و سبزه‌های قلهٔ کوه کرمَل زرد و پژمرده می‌گردند.»

را بر حصارهای صور می فرستم و قلعه های مستحکم آن را با شعله های آن می سوزانم.»

ادوم

«خداوند می فرماید: «قوم ادوم بارها گناه کرده اند. من از تقصیرات شان نمی گذرم، زیرا آن ها با شمشیر به تعقیب برادران خود رفتند و با خشم و غضب همه را بیرحمانه بقتل رساندند.»^{۱۱} پس من هم آتشی را بر شهر تیمان می فرستم و قلعه های بُزره را می سوزانم.»

عمون

«خداوند می فرماید: «خطاهای مردم عمون از حد گذشته است. من گناهان شان را فراموش نمی کنم، زیرا آن ها برای اینکه به سرحدات خود توسعه بخشند، در جنگ جلعاد شکم زنان حامله را با شمشیر دریدند.»^{۱۲} بنابراین، من هم آتشی را بر حصارهای شهر رَبه می افروزم و قلعه های آن را با غریو و نعره جنگ و غرش طوفان از بین می برم.^{۱۳} پادشاه آن با مأمورینش یکجا تبعید می شوند.»

موآب

«خداوند می فرماید: «مردم موآب به مراتب گناه کرده اند. من به سبب خطاهای شان، آن ها را مجازات می کنم، زیرا که آن ها استخوانهای پادشاه ادوم را سوختاندند و به خاکستر تبدیل کردند.»^{۱۴} پس من هم آتشی را بر موآب می فرستم و قلعه های قریوت را می سوزانم. اهالی

مجازات همسایگان اسرائیل دمشق

«خداوند می فرماید: «مردم دمشق بارها گناه کرده اند، بنابراین، از تقصیر شان بر نمی گردم و آن ها را مجازات می کنم، زیرا آن ها با مردم جلعاد با شیوه وحشیانه و ظالمانه ای رفتار کردند.»^{۱۵} پس من آتشی را بر خاندان خزایل پادشاه می فرستم و قلعه های مستحکم بِنَهَدَد را می سوزانم.^{۱۶} دروازه های شهر دمشق را می شکم و اهالی وادی آوَن و پادشاه بیت عدن را نابود می سازم. مردم سوریه به سرزمین قیر به اسارت برده می شوند.»

فلسطین

«خداوند می فرماید: «اهالی غزه بمراتب گناه کرده اند. آن ها سزاوار مجازات هستند، زیرا تمام قوم مرا تبعید کردند تا به دست مردم ادوم تسلیم کنند.»^{۱۷} پس من آتشی را بر حصارهای غزه می فرستم و قلعه های مستحکم آن را می سوزانم.^{۱۸} اهالی اَشْدُود را نابود می کنم و پادشاه اَشْقَلُون را می کشم. مردم شهر عَقْرُون را از بین می برم و تمام فلسطینیانی که باقی مانده اند، هلاک می شوند.»

صور

«خداوند می فرماید: «مردم صور مرتب گناه کرده اند. آن ها حتماً مجازات می شوند، زیرا که آن ها تمام قوم ادوم را به اسارت بردند و پیمان برادری خود را شکستند،^{۱۹} بنابراین، من آتشی

۹ اما ای قوم برگزیده من، بخاطر شما اموریان را که مانند درختان سرو، بلند و همچون درختان بلوط، نیرومند و قوی بودند، با میوه و ریشه های شان بکلی نابود ساختم. ۱۰ همچنین شما را از کشور

مصر بیرون آوردم و مدت چهل سال در بیابان راهنمایی کردم تا سرزمین اموریان را تصاحب کنید. ۱۱ بعضی از پسران شما را بحیث انبیاء و بعضی از جوانان تان را به عنوان نذری (نذیره) برای خود انتخاب کردم. ۱۲ خداوند می فرماید: «ای قوم اسرائیل، آیا این حقیقت ندارد؟ ۱۳ اما شما به آن جوانان نذری شراب دادید که بنوشند و به انبیاء گفتید که نبوت نکنند. ۱۴ پس حالا شما را مثل عراده ای که در زیر بار غله صدا می کند، به ناله می آورم.

۱۵ حتی سریعترین کسان نمی توانند فرار کنند. قوت و نیروی جنگجویان از بین می رود و قادر نمی باشند که جان سالم بدر برند. ۱۶ تیراندازان مقاومت خود را از دست می دهند. دوندگان از فرار بازمی مانند و اسپ سواران نمی توانند جانهای خود را نجات بدهند. ۱۷ خداوند می فرماید: «در آن روز شجاعترین جنگجویان سلاح خود را به زمین انداخته برای نجات جانهای خود فرار می کنند.»

خطا و مجازات اسرائیل

۳ ای قوم اسرائیل، به کلام خداوند که علیه شما است گوش بدهید. او علیه تمام قومی که خداوند آن ها را از مصر بیرون آورد می فرماید: ۲ «از بین تمام اقوام روی زمین، من تنها شما را

مؤاب در بین خروش و غوغای جنگ و نعره جنگجویان از بین می روند. ۳ پادشاه آن را با مأمورینش یکجا هلاک می سازم.»

یهودا

۴ خداوند می فرماید: «مردم یهودا بارها گناه کرده اند. آن ها حتماً جزا می بینند، زیرا آن ها احکام مرا بجا نیاوردند و از قوانین من پیروی نکردند، بلکه با پرستش همان بتهایی که معبود اجداد شان بودند، گمراه شدند. ۵ پس من هم آتشی را بر یهودا می فرستم و قلعه های اورشلیم را می سوزانم.»

مجازات اسرائیل

۶ خداوند می فرماید: «قوم اسرائیل به مراتب گناه کرده اند. آن ها باید به سزای گناه خود برسند، زیرا آن ها اشخاص نیک و راستکار را که قادر به پرداخت قرض خود نیستند و مردم فقیر و بینوا را که نمی توانند قرض قیمت یک جوره کفش را بپردازند، به غلامی می فروشند. ۷ بر مردم مسکین ظلم می کنند و مانع اجرای عدالت در حق اشخاص ضعیف و ناتوان می گردند. پسر و پدر با یک دختر همبستر می شوند. به این ترتیب، نام مقدس مرا بی حرمت می سازند. ۸ با همان لباسی که از قرضداران خود گرو گرفته اند در کنار هر قربانگاه می خوابند و در عبادتگاه خدای خود با پولی که بعنوان جریمه از مردم گرفته اند، شراب می نوشند.»

۱۲ خداوند می فرماید: «همانطوری که چوپانی فقط دو پا و یا یک گوش گوسفندی را از دهن شیر بازمی گیرد، در سامره هم تنها عده کمی از ساکنین آن که بر تختهای مجلل تکیه زده اند، نجات می یابند.»

۱۳ خداوند، خدای قادر مطلق می فرماید: «بشنوید و این پیام را به بنی اسرائیل اعلام کنید. ۱۴ در همان روزی که قوم اسرائیل را به سزای گناه شان برسانم، قربانگاه های بیت ئیل را هم از بین می برم. شاخهای قربانگاه قطع می شوند و به زمین می افتند.» ۱۵ خداوند می فرماید: «خانه های تابستانی و زمستانی را ویران کرده و خانه های را که با عاج زینت یافته اند با خاک یکسان می کنم و همه خانه های بزرگ را از بین می برم.»

۴ ای زنان سامره که مثل گاوهای باشان چاق شده اید، بر مردم مسکین ظلم می کنید، اشخاص نادار و محتاج را پایمال می نمائید و به شوهران تان می گوئید: «شراب بیاورید که بنوشیم.» ۲ خداوند متعال که مقدس است، وعده داده و فرموده است: «روزی می رسد که دشمنان چنگک به دهان شما انداخته همه تان را مانند ماهی می کشند و با خود می برند. ۳ هر یک از شما را به نزدیکترین شگاف دیوار می برند و از آنجا بیرون می اندازند.»

سرکشی قوم اسرائیل

۴ خداوند متعال می فرماید: «ای قوم اسرائیل، اگر می خواهید، به بیت ئیل و جلجال بروید و گناه ورزید. تا که

انتخاب کرده ام. به همین دلیل جزای گناهان شما سنگینتر است.»

۳ آیا دو نفر بدون آنکه با هم متفق باشند یکجا سفر می کنند؟ ۴ آیا شیر، وقتی شکاری نداشته باشد در جنگل غرش می کند؟ آیا شیر ژیان اگر شکاری نکرده باشد در بیشه خود می گرد؟ ۵ اگر تله ای نباشد آیا پرنده ای به دام می افتد؟ اگر تله چیزی را نگرفته باشد، آیا بسته می شود؟ ۶ وقتی زنگ خطر جنگ نواخته شود، آیا مردم از ترس به لرزه نمی آیند؟ اگر خواست خداوند نباشد، آیا مردم دچار مصیبت می شوند؟

۷ خداوند متعال، پیش از آنکه بندگان خود، انبیاء را از اراده خود آگاه نسازد، کاری نمی کند. ۸ هرگاه شیر غرش کند، کیست که از ترس نلرزد؟ وقتی خداوند متعال سخن گوید، آیا کسی جرأت می کند که آن را اعلام ننماید؟

۹ به ساکنین قصرهای آشدود و مصر اعلام کنید و بگوئید: «بر کوههای سامره جمع شوید و ببینید که چه آشوبی در آنجا برپاست و مردم مرتکب چه ظلم هائی می شوند.» ۱۰ خداوند می فرماید: «اهالی آنجا از صداقت و راستی کار نمی گیرند. قصرهای شان پُر از غنایمی است که از راه غارت و دزدی به دست آورده اند. ۱۱ بنابران، دشمن می آید و سرزمین شان را محاصره می کند. قدرت دفاعی شان را از بین می برد و قلعه های شان را ویران می نماید.»

مردم سدوم و عموره نابود ساختم. کسانی هم که زنده ماندند، مثل سوخته چوبی بودند که از بین آتش بیرون کشیده شده باشند. با همهٔ اینها، بازهم شما بسوی من برنگشتید.^{۱۲} بنابراین، من شما را مجازات می‌کنم. پس ای اسرائیل، برای داوری و مجازات در برابر خدای خود آماده شو.»^{۱۳} زیرا آنکه کوه‌ها را بنا نمود و باد را بوجود آورد، انسان را از افکار پنهانی خود آگاه می‌سازد، روز را به شب تبدیل می‌کند و بر بلندی‌های زمین قدم می‌گذارد، نام او خداوند، خدای قادر مطلق است.

دعوت به توبه

ای قوم اسرائیل، به مرثیه‌ای که برای شما می‌خوانم گوش بدهید:
 دختر باکرهٔ اسرائیل از پا افتاده است
 و دیگر هرگز بر نمی‌خیزد.
 او فراموش شده است
 و کسی به کمک او نمی‌آید که او را
 از زمین برخیزاند.

^۳ خداوند متعال می‌فرماید: «از یک شهر یکهزار نفر به جنگ می‌روند، اما تنها یکصد نفر زنده برمی‌گردند. از شهر دیگری صد نفر فرستاده می‌شوند، ولی فقط ده نفر زنده می‌مانند.»

^۴ خداوند به قوم اسرائیل می‌فرماید: «مرا بطلبید تا زنده بمانید. ^۵ به بیت تیل برای عبادت نروید، به جلجال اجتماع نکنید و به بشرّبع داخل نشوید، زیرا مردم جلجال تبعید می‌گردند و مردم بیت تیل نابود می‌شوند.»^۶ در طلب خداوند باشید

می‌توانید گناه کنید. هر صبح قربانی‌های تان را بیاورید و بعد از هر سه روز یک دهم تان را بدهید.^۵ به اجرای قربانی‌های شکرانگی تان ادامه دهید و به همه جا اعلان کنید که برای خداوند قربانی تقدیم کرده‌اید، زیرا شما به تظاهر و خودنمایی عادت دارید.» این گفتهٔ خداوند متعال است.

^۶ خداوند می‌فرماید: «من به تمام شهرهای شما قحطی را آوردم و احتیاج نان را در جمیع مکان‌های شما، اما با اینهم توبه نکردید و بسوی من بازنگشتید.^۷ در فصل درو بارش باران را قطع کردم. در یک شهر باران فرستادم و در شهر دیگر از آن جلوگیری نمودم. بر یک زمین باران بارید و زمین دیگر از بی‌آبی خشک شد.^۸ مردم چند شهر برای نوشیدن یک جرعه آب، با تن خسته و ناتوان به شهر دیگری خود را آواره می‌کردند، اما تشنگی شان رفع نمی‌شد. با اینهم شما بسوی من برنگشتید.»

^۹ خداوند می‌فرماید: «با باد سموم و آفت، محصول باغها و تاکستان‌های شما را از بین بردم. درختان انجیر و زیتون شما خوراک ملخ شدند، بازهم شما بسوی من بازگشت نکردید.»

^{۱۰} خداوند می‌فرماید: «همان بلاهائی را که بر سر مردم مصر آوردم بر سر شما هم فرستادم. جوانان شما را با شمشیر کشتم، اسپه‌های تان ربوده شدند. بینی تان از بوی بد اجساد مقتولین اردوگاه تان پُر شد. با اینحال، شما بسوی من بازنگشتید. ^{۱۱} بعضی از شما را مانند

شاید خداوند قادر مطلق بر بازماندگان قوم رحم کند.

^{۱۶} خداوند متعال، خدای قادر مطلق می فرماید: «از تمام جاده های شهر صدای ناله و شیون بر می خیزد و حتی دهقانان دعوت می شوند تا با مرثیه خوانان نوحه گری کنند. ^{۱۷} در تاکستانها نوحه و شیون برپا می شود، زیرا من برای مجازات شما می آیم.» خداوند فرموده است.

^{۱۸} وای بحال شما که در آرزوی فرارسیدن روز خداوند هستید. آن روز چه فایده ای برای شما خواهد داشت؟ زیرا در آن روز تاریکی را می بینید نه روشنی را. ^{۱۹} شما مثل کسی می باشید که از شیری فرار می کند و با خرسی روبرو می گردد. یا مانند کسی که به خانه خود داخل می شود و دست خود را بر دیوار می گذارد و مار او را می گزد. ^{۲۰} روز خداوند تاریکی مطلق را ایجاد می کند و اثری از روشنی دیده نمی شود. آن روز یک روز ظلمانی بوده نور و روشنایی بچشم نمی خورد.

^{۲۱} خداوند می فرماید: «من از عیدهای تان بیزارم و از محافل مذهبی شما نفرت دارم. ^{۲۲} قربانی های سوختنی و هدایای آردی شما را نمی پذیرم و به قربانی حیوانات چاقی که جهت شکرگزاری می آورید توجهی ندارم. ^{۲۳} سرود حمد خود را بگوش من نرسانید. نوای چنگ شما را نمی شنوم. ^{۲۴} به عوض، بگذارید که عدالت مثل آب و انصاف مانند نهری همیشه در جریان باشد.

تا زنده بمانید، در غیر آن غضب او مثل آتش شعله ور می شود و قوم اسرائیل را می سوزاند و مردم بیت ثیل را از بین می برد و کسی نمی تواند آن را خاموش سازد. ^۷ شما محکوم به فنا هستید، زیرا عدالت را پایمال می کنید و مردم را از حق شان محروم می سازید.

^۸ کسی که اجرام سماوی ثریا و جبار را بوجود آورد، تاریکی را به صبح روشن و روز را به شب تبدیل می کند، آب های بحر را جمع کرده بر زمین می باراند، نام او خداوند است. ^۹ او نیرومندان را با قلعه های شان نابود می سازد.

^{۱۰} شما از کسانی که پیرو عدالت و راستگو هستند، نفرت دارید. ^{۱۱} بر مردم مسکین و فقیر ظلم می کنید و غلّه شان را به زور می گیرید، بنابراین، در خانه هائی که از سنگهای مُزَین بنا کرده اید، زندگی نمی کنید و از شراب تاکستان های زیبائی که غرس نموده اید نمی نوشید، ^{۱۲} زیرا من می دانم که گناهان زیاد و خطاهای بزرگی را مرتکب شده اید. به اشخاص راستکار آزار می رسانید، رشوت می گیرید و عدالت را از مردم مسکین بازمی دارید. ^{۱۳} اما آن کسانی که شما از آن ها نفرت دارید، باید در آن مواقع عاقل و صابر باشند و سکوت کنند.

^{۱۴} پس نیکوئی کنید و از شرارت دست بکشید تا زنده بمانید. آنوقت خداوند، خدای قادر متعال، چنانکه ادعا می کنید، همراه شما و مددگار شما خواهد بود. ^{۱۵} از بدی بپرهیزید و خوبی را دوست بدارید و در محاکم عدالت را برقرار سازید تا

شراب را سر می کشید و با بهترین عطرها خود را خوشبو می سازید، ولی بخاطر مصیبت قوم اسرائیل غمگین نمی شوید. ^۷ بنابراین، شما پیشتر از دیگران به اسارت می روید و روزهای عیش و خوشگذرانی شما به پایان می رسند.

^۸ خداوند، خدای قادر متعال به ذات خود قسم خورده است و می فرماید: «من از غرور قوم اسرائیل بیزار هستم و از قصرهای باشکوه آن ها نفرت دارم. پس من پایتخت آن را با همه چیزی که در آن

است به دشمنان تسلیم می کنم.»

^۹ اگر ده نفر در یک خانه باقی مانده باشند، آن ها هم کشته می شوند. ^{۱۰} وقتی خویشاوند شخص مُرده برای دفن جنازه او بیاید، از آن کسی که هنوز زنده است می پرسد: «آیا کس دیگری باقی مانده است؟» او جواب می دهد: «نی.» آن خویشاوند می گوید: «خاموش باش و نام خداوند را بر زبان نیاور!» ^{۱۱} زیرا اینک خداوند امر می فرماید، خانه های بزرگ و کوچک با خاک یکسان می شوند. ^{۱۲} آیا اسپها بر صخره ها می دوند؟ آیا گاوها بحر را قلبه می کنند؟ اما شما عدالت را به کام مردم مانند زهر تلخ ساخته و حق را به باطل تبدیل کرده اید.

^{۱۳} شما به اینکه شهر لودیبار را تسخیر کرده اید افتخار می کنید و می گوئید: «ما قدرت آن را داریم که شهر کارنائیم را فتح کنیم.»

^{۱۴} اما خداوند، خدای قادر مطلق می فرماید: «ای قوم اسرائیل، من سپاه دشمن را می فرستم تا کشور شما را

^{۱۵} ای قوم اسرائیل، در مدت چهل سالی که در بیابان بودید، آیا برای من قربانی و هدیه می آوردید؟ ^{۱۶} نی، بلکه شما به پادشاه خدایان خود، یعنی سکوت و به کیوان، خدای ستارگان تان و به بتهایی که به دست خود ساخته بودید، زیادتر علاقه نشان می دادید. ^{۱۷} بنابراین، من که خدای قادر مطلق هستم شما را به سرزمین دوردستی، در آن طرف دمشق تبعید می کنم.» این گفته خداوند، خدای قادر مطلق است.

تباهی قوم اسرائیل

۶ وای بر شما که در سهیون و کوه سامره در رفاه و آسودگی زندگی می کنید و به این می بالید که رهبر و پیشوای قوم بزرگی هستید و مردم برای کمک پیش شما می آیند. ^۲ به شهر کلنه بروید، از شهر بزرگ حمات دیدن کنید و از آنجا به شهر جت، در سرزمین فلسطینی ها بروید و ببینید که آیا آن ها بهتر از ممالک شما هستند و یا ساحة سرزمین شان بزرگتر از سرزمین های شماست؟ ^۳ شما فکر روز مصیبتی را که بر سر شما می آید از خود دور می کنید، اما با کردار زشت تان آن روز بد را به خود نزدیکتر می سازید. ^۴ وای بر شما که بر تختهای عاج دراز می کشید، در بسترهای نرم می خوابید و بهترین گوشت بره و لذیذترین گوشت گوساله گله را می خورید. ^۵ با نوای چنگ آواز می خوانید و مانند داود آلات موسیقی را برای خود اختراع می کنید. ^۶ جامهای

پرسید: «عاموس، چه می بینی؟» من جواب دادم: «یک شاقول.» خداوند فرمود: «با این شاقول می خواهم نشان بدهم که قوم برگزیدهٔ من مثل این دیوار راست نیست، لهذا می خواهم که آن ها را مجازات کنم.^۹ و مکان های بلند اسحاق و معابدی را که اسرائیل بنا کرده اند، ویران می کنم و خاندان یزُبعام را با شمشیر نابود می سازم.»

عاموس و اَمصیا

^{۱۰} آنگاه اَمصیا، کاهن بیت ئیل، به یزُبعام، پادشاه اسرائیل خبر داد و گفت: «عاموس در بین قوم اسرائیل فتنه برانگیخته و علیه تو توطئه چیده است و سخنان او و کشور ما را نابود خواهد ساخت.» زیرا او می گوید که تو با شمشیر بقتل می رسی و قوم اسرائیل از کشور شان تبعید شده به اسارت برده می شوند.»

^{۱۲} بعد اَمصیا به عاموس گفت: «ای نبی، از این کشور خارج شو. به سرزمین یهودا برگرد و در آنجا با موعظه هایت پول به دست آور و نان بخور.»^{۱۳} دیگر هرگز در بیت ئیل موعظه نکن، زیرا اینجا محل عبادت پادشاه و معبد مردم ما می باشد.»

^{۱۴} عاموس جواب داد: «من نه نبی هستم و نه پسر نبی. وظیفهٔ من اصلاً چوپانی و میوه چینی است.»^{۱۵} اما خداوند مرا از کار چوپانی گرفت و فرمود: «برو برای قوم اسرائیل موعظه کن.»^{۱۶} حالا تو می گوئی که علیه قوم اسرائیل موعظه نکنم، پس ای اَمصیا، به کلام خداوند گوش بده که به تو می فرماید:^{۱۷} زن تو در این شهر

تصرف کنند و مردم شما را از سرحد حماات تا جویبار عربه بتنگ بیاورند.»

رؤیای ملخ

در رؤیائی که خداوند متعال به من نشان داد دیدم که بعد از درو محصول اول غله که سهم پادشاه بود و محصول دوم تازه سر زده بود، خداوند خیل ملخ را بوجود آورد.^۲ بعد از آنکه ملخها همه گیاه سبز زمین را خوردند، من به خداوند گفتم: «ای خداوند متعال، از حضور تو استدعا می کنم که قوم برگزیدهٔ خود را ببخشی. آن ها قوم ضعیف و کوچک هستند و نمی توانند در برابر این مصیبت طاقت کنند.»^۳ پس خداوند هم رحم کرد و فرمود: «این حادثه اتفاق نمی افتد.»

رؤیای آتش

^۴ خداوند متعال در رؤیای دیگری، آتش بزرگی را که برای مجازات مردم آماده کرده بود، به من نشان داد. آن آتش آب های عمیق زمین را بلعید و تمام نباتات را سوختاند.^۵ من گفتم: «ای خداوند، خدا التماس می کند از این کار منصرف شو، زیرا قوم اسرائیل کوچک و ضعیف است و طاقت این بلا را ندارد.»^۶ پس خداوند فرمود: «این حادثه هم اتفاق نمی افتد.»

رؤیای شاقول (شاول)

^۷ بعد در رؤیای دیگری دیدم که خداوند در کنار دیوار که با شاقول بنا شده بود، ایستاده شاقولی در دست داشت.^۸ از من

۷ خداوند، خدای پُر جلال اسرائیل قسم خورده می فرماید: «من هرگز کارهای آن ها را فراموش نمی کنم.»^۸ از اینرو، این سرزمین به لرزه می آید و ساکنین آن ماتم می گیرند. تمام کشور اسرائیل مثل دریای نیل در هنگام سیلاب متلاطم شده بالا می آید و دوباره فرومی نشیند.»^۹ خداوند متعال می فرماید: «در آن روز بفرمان من آفتاب در وقت ظهر غروب می کند و زمین را در روز روشن تاریک می سازم. جشن های تان را به ماتم و سرود خوشی شما را به گریه و نوحه تبدیل می کنم. آنگاه مثلیکه یگانه پسر تان مُرده باشد، سرهای تان را تراشیده لباس ماتم می پوشید و آن روز برای شما یک روز بسیار تلخ و ناگوار خواهد بود.»
 ۱۱ خداوند متعال می فرماید: «روزی می رسد که قحطی را به این سرزمین می فرستم. این قحطی، قحطی نان و آب نبوده بلکه قحطی کلام خداوند می باشد. ۱۲ مردم دنبال کلام خداوند بچرها را می پیمایند و به شرق و غرب می روند، اما موفق به یافتن آن نمی شوند. ۱۳ در آن روز حتی دختران و مردان جوان و سالم هم از تشنگی بیحال می گردند. ۱۴ کسانی که بنام بت های سامره و دان و بئرشبع قسم می خورند، می افتند و دیگر بر نمی خیزند.»

مجازات قوم اسرائیل

۹ خداوند را دیدم که در کنار قربانگاه ایستاده بود و فرمود: «تاجهای ستونهای عبادتگاه را بشکن تا اساس عبادتگاه به لرزه آید و سقف آن

فاحشه می شود، فرزندان در جنگ بقتل می رسند و ملک و زمینت تقسیم شده به دیگران تعلق می گیرد. خودت هم در یک کشور بیگانه می میری و قوم اسرائیل از وطن خود تبعید می شوند.»

رؤیای تکرری پُر از میوه

۸ خداوند متعال در رؤیای دیگری یک تکرری پُر از میوه را به من نشان داد و از من پرسید: «عاموس چه می بینی؟» من جواب دادم: «یک تکرری پُر از میوه رسیده.» خداوند فرمود: «وقت آن رسیده است که قوم برگزیده من، اسرائیل به جزای اعمال خود برسند و من از مجازات آن ها منصرف نمی شوم. ۳ در آن روز سرودهایی که مردم در معبد می نوازند، به گریه و نوحه تبدیل می شوند. اجساد مردگان در همه جا بچشم می خورند و سکوت مطلق سایه می افکند.»

نابودی قوم اسرائیل

۴ بشنوید ای کسانی که مردم مسکین و بینوا را پایمال می کنید و قصد نابودی اهالی فقیر این سرزمین را دارید! ۵ به این فکر هستید که: «هرچه زودتر ایام تعطیل و روزهای سَبْت پایان برسند تا به کسب و کار خود شروع کنید و غله خود را به قیمت گران بفروشید. در ترازو تقلب می نمائید و با اوزان سبکتر مشتریان را فریب می دهید. ۶ گندم پسمانده خود را به فقرا در بدل نقره می فروشید و مردم مسکین را بخاطر قرض یک جوهره کفش به غلامی می گیرید.»

قوم اسرائیل را بکلی نابود نمی سازم. این است گفتهٔ خداوند.

^۹ من به دشمنان امر می کنم که قوم اسرائیل را همانطوری که گندم را غربال می کنند، تکان بدهند تا کاملاً از مردم بدکار جدا شوند. ^{۱۰} تمام گناهکاران قوم برگزیدهٔ من که می گویند: «بلائی بر سر ما نمی آید.» با شمشیر کشته می شوند.»

احیای قوم اسرائیل

^{۱۱} خداوند می فرماید: «در آن زمان سلطنت داود را که ویران شده است مثل سابق برقرار می سازم. ^{۱۲} قوم اسرائیل همهٔ آنچه را که از ادوم و اقوام دیگر باقی مانده است و زمانی به من تعلق داشت، تصاحب می کنند.» خداوند که همهٔ اینها را بجا می آورد، فرموده است.

^{۱۳} خداوند می فرماید: «زمانی می رسد که غله چنان فراوان می شود که دروگران فرصت درو کردن آن را نمی داشته باشند و انگور بقدری فراوان می گردد که وقت برای فشردن آن نمی باشد و شراب شیرین از تپه ها جاری می شود. ^{۱۴} من قوم خود را دوباره به وطن شان می آورم. شهرهای ویران را آباد می کنند، باغها و تاکستانها می سازند و محصول آن ها را می خورند. ^{۱۵} قوم خود را در سرزمینی که به آن ها داده ام مستقر می سازم و بار دیگر آن ها را از آنجا جدا نمی کنم.» این گفتهٔ خداوند، خدای شما است.

بر سر همهٔ مردم فروریزد. کسانی را که زنده بمانند با شمشیر می کشم. هیچ کسی نمی تواند فرار کند و جان سالم بدر برد. ^۲ اگر به دوزخ بروند، از دست من رهایی نمی یابند و اگر به آسمان صعود کنند، آن ها را پائین می آورم. ^۳ اگر در کوه کرمل پنهان شوند، به سراغ شان می روم و آن ها را پیدا می کنم. اگر از نظر من در اعماق بحر مخفی شوند، مار را می فرستم تا آن ها را بگذرد. ^۴ حتی اگر به کشور دشمن تبعید شوند، من به دشمنان فرمان می دهم تا آن ها را در آنجا بکشد. آن ها همیشه تحت نظر من بوده بجای خوبی از من بدی می بینند.»

^۵ خداوند، خدای قادر مطلق وقتی زمین را لمس کند، زمین گداخته می شود و ساکنین آن ماتم می گیرند. تمام زمین مانند آب دریای نیل بالا می آید و دوباره فرومی نشیند. ^۶ آن کسی که خانهٔ خود را در آسمان ها بنا کرده و گنبد آسمان را بر فراز زمین قرار داده است، آب های بحر را جمع می کند و آن ها را بر زمین می باراند، نامش خداوند است.

^۷ خداوند می فرماید: «ای قوم اسرائیل، شما برای من مثل حبشی ها هستید؟ من شما را از کشور مصر، فلسطینی ها را از جزیرهٔ کریت و مردم سوریه را از قیر بیرون آوردم. ^۸ چشمان من خداوند متعال بر کشور گناهکار اسرائیل باز است و آن ها را از روی زمین محو می کنم، اما

